نگاهی تطبیقی به جهاد و تروریسم، راهکاری برای خنثی کردن تهمت تروریستی به جنبش های مقاومت

نگاهی تطبیقی به جهاد و تروریسم، راهکاری برای خنثی کردن تهمت تروریستی به جنبش های مقاومت

دکتر عباس اخوان ارمکی

چکیده

از آنجا که استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا با تهمت‌های ناروا به جنبش‌های مقاومت فلسطین، این گروه‌های جهادی را تروریستی معرفی می‌کند، همچنین؛ با توجه به اینکه تبیین‌های متفاوت از مبانی نظری و مفهومی تروریسم منجر به شکل گیری رفتارها، راهبردها و سیاست‌های متفاوت در جهان شده، تا جایی که باعث اختلافات زیادی در خصوص مصادیق افکار تروریستی شده‌است. این سوال مطرح می‌شود، تروریسم و جهاد از دیدگاه اسلام چه تفاوت و چه شباهت هایی‌دارند و آیا اعمال جنبش‌های مقاومت فلسطین، تروریستی است؟ در این تحقیق که با روش پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام شده است، سعی کرده‌ایم با بررسی متون اسلامی به این سوال پاسخ دهیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، عملیات جنبش‌های مقاومت فلسطین علیه اسرائیل، جهاد اسلامی است و در روش و ماهیت هیچ گونه سنخیتی با تروریسم و اقدامات تروریستی ندارد.

واژگان کلیدی: تروریسم، جهاد، جنبش های مقاومت.

مقدمه

تا قبل از سال 1967م مبارزه ملّت فلسطین علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل به صورت پراکنده و به موارد خاص منحصر می‌گشت. نیروهای انقلابی فلسطینی هم که اغلب از اعضا و طرفداران اخوان المسلمین بودند،

محور فعالیتشان مسائل اجتماعی و فرهنگی بود و کمتر به عملیات مسلحانه می‌پرداختند. لذا؛ جوانانی که خواستار اقدام انقلابی و مبارزه مسلحانه بودند، به دنبال فرصتی می‌گشتند، تا از این جنبش کناره گیری کنند. شکست ناصریسم و ناکامی استراژدی برخوردار نظامی با رژیم اشغالگر قدس در سال 1967م از یک طرف و ناتوانی اخوان المسلمین در عرصه راه حلی برای نجات فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی از طرفی دیگر دو عامل مهم باعث شکل گیری، توسعه و تجدید حیات گروه‌های چریکی در فلسطین گردید.

بنابراین، ساختار سازمان یافته‌ای که بتواند عرضه کننده و راهبر در حال رشد فلسطینی‌ها باشد، کاملاً احساس می‌شد. به این ترتیب جنبش مقاومت فلسطین که در سال‌های نخستین از محبوبیتی خاص برخوردار شده بود، عده زیادی از جوانان فلسطیتی را با انگیزه آزادسازی وطن و اتکا به افراد خودی و انجام دادن عملیات چریکی علیه نیروها، تجهیزات، تأسیسات و منافع اسرائیل جذب کرد. از آن زمان گروه‌های مختلفی برای آزادسازی فلسطین و نابودی رژیم اسرائیل ایجاد شد.

جنبش‌های مقاومت فلسطین را می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد:

1. گروه مقاومت اسلام سنتی که جماعت اخوان المسلمین نمونه بارز آن است. این گروه عقیده دارند که نبرد برای فلسطین، پس از ایجاد تحوّل اسلامی در فلسطین و پس از ظهور جریان اسلام گرایی در منطقه و بازگشت به اسلام آغاز می‌شود. پس از آن مردم به جهاد دعوت خواهند شد. این گروه دین گرا هستند و به ابعاد تربیتی اسلام، آداب مذهبی و عبادت بیشتر توجه می‌کنند (خسرو شاهی، 1370: 149).

2. گروه دوم جهادی؛ که نمونه بارز آن جنبش جهاد اسلامی و جنبش حماس هستند. این سازمان‌ها مسئله فلسطین را مسئله محوری جنبش اسلامی در داخل و خارج از فلسطین می‌دانند و عقیده دارند که مشکل فلسطین، نه ملی و نه ناسیونالیستی است، که فقط به عرب ها مربوط باشد. بلکه این موضوع به کل امّت اسلام تعلّق دارد. از دیدگاه این گروه‌ها مشکل آزادی فلسطین که منجر به نابودی اسرائیل می‌شود، فقط جهاد است. این گروه ها مبارزه مسلحانه را روشی قاطعانه برای مبارزه با صهیونیسم می‌دانند؛ لذا؛ حماس معتقد است راه حلی برای فلسطین جز جهاد وجود ندارد و جهاد بر هر مسلمانی واجب عینی است، مقاومت در برابر رژیم اشغالگر با تمامی ابزارها و راهکارها حق مشروع و مسلّم ملت فلسطین است که ادیان آسمانی و عرف و قوانین بین المللی آن را به رسمیت شناخته است و در رأس آن نیز مقاومت مسلحانه قرار دارد که گزینه‌ای راهبردی برای دفاع از اصول و بازپس گیری حقوق ملت فلسطین است.

3. جریان سومی هم وجود دارد، که برخی از مواضع دو گروه بالا را با هم جمع کرده است. نمونه بارز آن

حزب آزادی بخش اسلامی است. این گروه مسئله فلسطین را قضیه محوری می‌داند و عقیده دارد، نابودی رژیم صهیونیستی باید با استناد به روش‌های دینی انجام شود (جمعی از نویسندگان، بی تا: الحرکات اسلامیه فی لبنان: 177).

آنچه مسلّم است جنبش های مقاومت، آزادی فلسطین را سر لوح کار خویش قرار داده و عقیده دارند، منتهی راه و رسیدن به این مقصد از طریق جهاد امکان پذیر است.

اهمیت موضوع

از آنجا که استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا با تهمت های ناروا به جنبش های مقاومت فلسطین، این گروه ها را تروریستی معرفی می‌کند و این سمپاشی ها به جایی رسیده که حتی گروهی از مسلمانان هم باورشان شده است که جنبش های مقاومت تروریست هستند، همچنین؛ تبیین های متفاوت از مبانی نظری و مفهومی تروریسم منجر به شکل گیری رفتارها، راهبردها و سیاست های متفاوت در خصوص آن گشته تا جایی که اختلافات عمده ای در خصوص مصادیق سازمان های تروریستی، افکار تروریستی و اقدامات تروریستی شده است.

با توجه به مجموعه این عوامل دو هدف عمده برای تبیین مبانی نظری و مفهومی تروریسم از آن متصور است؛ هدف اول ایجاد منطق عمل و تعیین عناصر شناختی است.

هدف دوم به ایجاد یک گفتمان فکری در خصوص تروریسم بازمی‌گردد. که می‌تواند به یک گفتمان با نفوذ تبدیل شود و از این طریق تهمت های ناروای استکبار خنثی کرد.

سوال های تحقیق

1. تروریسم و جهاد از دیدگاه اسلام چه تفاوت و چه شباهت هایی دارد؟

2. جنبش های مقاومت فلسطین چه اهدافی دارند؟

2. آیا اعمالی که جنبش های مقاومت برای آزادی فلسطین انجام می‌دهند، تروریستی است؟

تعاریف واژگان

تطبیق

تطبیق به معنای، مقابله، مقایسه، مطابقت و برابر ساختن دو چیز با یکدیگر است(معین، 1368: ج2، 216).

جنبش مقاومت

جنبش مقاومت اسلامی، جنبش آزادی بخش، مقاومتی، ملی فلسطینی و اسلامی است که هدفشان آزادسازی فلسطین و مبارزه با پروژه صهیونیزم است و مرجعیت آن در خاستگاه ها، اهداف، ابزارها و فعالیت هایش اسلام است.

تروریسم

اولین تعریف از تروریسم در سال (۱۹۳۷) توسط جامعه ملل ارائه شد. در این تعریف، تروریسم به تمام اعمال مجرمانه علیه یک دولت و به قصد ایجاد وضعیت رعب و وحشت در اذهان اشخاص خاص یا گروهی از افراد و یا عموم مردم اطلاق گردیده است (خانبانی، 1383: 43). این تعریف در چارچوب تلاش برای ایجاد یک کنوانسیون بین المللی برای ممانعت و مجازات تروریسم و در پی ترور پادشاه یوگسلاوی و وزیر خارجه وقت فرانسه ارائه گردید. اما در نهایت این کنواسیون به تأیید اعضاء نرسید و کنار گذاشته شد.

تعریف کلی که می‌توان از تروریسم ارائه کرد عبارت است از: هر گونه اقدام یا تهدید خشونت آمیز، صرف نظر از اهداف و انگیزه ها که برای پیشبرد یک برنامه جنایی فردی یا گروهی انجام گیرد و به دنبال ایجاد وحشت در مردم، ایجاد ترس به واسطه آسیب رساندن به آن ها، یا به خطر انداختن زندگی، آزادی یا امنیّت یا به دنبال آسیب رساندن به محیط زیست، تأسیسات و دارایی های عمومی و خصوصی و یا اشغال آن ها و یا به دنبال به خطر انداختن منافع ملی باشد، تروریسم نامیده می‌شود.

جهاد

جهاد در لغت از ریشه «جَهد و جُهد» به معنای مشقت و زحمت و همچنین، به معنای توان و طاقت آمده

است (راغب اصفهانی، 1407: 101).

صاحب قاموس در باره جهاد آورده است: «اصل کلمه جهاد از «جهد» (به فتح جیم و ضم آن) است و به معنای تلاش توأم با رنج و زحمت می‌باشد. جهاد مصدر باب مفاعله و به معنی بسیار تلاش کردن می‌باشد و نیز اسم است به معنی جنگ. جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است.» (قرشی، 1384: ج2، 77).

صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی جهاد نوشته است: «الجهاد بذل النفس و المال و الوسع فی اعلاء کلمة الاسلام و اقامة شعائر الایمان» (نجفی، 1363: ج21، 3) جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپادشتن شعائر دین است.

تروریسم از دیدگاه اهل سنّت

در کتاب هایی که از سوی اهل سنّت در خصوص تروریسم نگاشته شده و یا بخشی از مسائل آن در باره تروریسم است، چند محور اساسی مورد توجه نگارندگان آن ها بوده است. محور اصلی که بخش قابل توجهی از مطالب را تشکیل می‌دهد بررسی لغوی و اصطلاحی ریشه کلمه تروریسم در لسان عرب است که به «ارهاب»ترجمه گردیده است.

«الحویق» تاریخ بکارگیری واژه ارهاب را همزمان با انقلاب فرانسه و با توصیف حکومت نظامی آن کشور می‌داند. وی معتقد است این واژه در غرب و بیشتر برای توصیف مبارزه علیه حکومت به کار گرفته شد و آنان تروریست لقب گرفتند.

ناگفته نماند که هیچ واژه ای به اندازه واژه ارهاب مورد اختلاف نبوده است. اگرچه پیرامون ارهاب قوانین زیادی وضع گردیده و از جمله قضایای موضوعه حقوقی و قانونی تعریف شده است، ولی این واژه بیشتر به ابزار تبلیغاتی برای دشمنان و نوعی ارهاب فکری و فرهنگی تبدیل یافته است (الارهاب و الغلو، عبدالرحمن بن معلا الحویق، 12).

الحویق انطباق واژه ارهاب - که در قرآن کریم نیز آمده است - به تروریسم را انطباقی ناصحیح می‌داند و در همین خصوص مطالبی را عنوان داشته است. وی معتقد است علی رغم نصوص فراوان وارده در کتاب الهی از زبان رسول خدا o که اصطلاح ارهاب را به روشنی تفسیر و تبیین می‌نماید، کمتر به این

منابع برای تبیین اصطلاح ارهاب مراجعه شده است. در همین رابطه پژوهشگران معاصر معتقدند بین کلمه رهب که ارهاب از آن مشتق گردیده و معنی دقیق و چگونگی استعمال آن هیچ سنخیتی وجود ندارد، لذا؛ فاصله بسیار زیادی بین مقصود شارع و این گونه برداشت ها به چشم می‌خورد.

چنانچه پژوهشگران در پژوهش کلمه رهب در آنچه که از آن مشتق شده و در کتاب و سنّت دقّت می‌کردند به معنای دقیق و ظریفی دست می‌یافتند از جمله خوف از خداوند تبارک و تعالی در زمینه عبادات قلبی و اعمال شرعی که خداوند در قرآن می‌فرماید: Pیا بَنی اِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی اَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ اَوْفُوا بِعَهْدی اُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَ اِیّایَ فَارْهَبُونِ0 (قرآن، سوره بقره، آیه ۴۰).

و باز در آیه دیگر شاهد هستیم خداوند در ستایش انبیاء b می‌فرماید: Pإِنَّهُمْ کَانُوا یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَیَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَکَانُوا لَنَا خَاشِعِینَ0 (قرآن: سوره انبیاء، آیه ۹۰)

و از جمله دعایی که از پیامبر بزرگوار اسلام o نقل شده است: «رب اجعلنی لک شکاراً، لک ذکاراً، لک رهاباً» (التزمذی، 1387: ج13،154).

همچنین، جمع آوری نیرو برای ارهاب و ترساندن دشمنان خداوند و دشمنان مؤمنین از جمله اموری است که مسلمان ها شرعاً به آن توصیه شده اند. زیرا در این امر تحقق مصالح و دفع مفاسد نهفته است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: Pوَأَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّکُم وَآخَرینَ مِن دونِهِم لا تَعلَمونَهُمُ اللَّهُ یَعلَمُهُم وَما تُنفِقوا مِن شَیءٍ في سَبیلِ اللَّهِ یُوَفَّ إِلَیکُم وَأَنتُم لا تُظلَمونَ0 (قرآن: سوره انفال، آیه ۶۰).

ایجاد ترس در دل کسانی که در فکر جنایت و تعدی نسبت به دیگران هستند و پیشگیری از اقدامات جنایتکارانه آنها نه تنها به هیچ وجه مذموم نیست، بلکه ارهابی پسندیده و مطلوب است که امنیت جامعه متوقف بر آن باشد.

معانی اخذ شده از ماده رهب در نصوص همگی از این سنخ می‌باشد و اما معانی اقدامات ناپسند از جمله تعدی به مردم و جرائم عمومی و خصوصی، الفاظ و اصطلاحات و احکام خاص خود را دارد.

دکتر «الصرهید الحربی» با استناد به ابن فارسی معتقد است کلمه ارهاب که از فعل ثلاثی رَهَبَ، یَرهَبُ گرفته شده است در دو معنی به کار گرفته شده است: (مطیع الدین بن دخیل ا الصرهید الحربی، حقیقه الارهاب: المفاهیم و الجذور، ص 4، به نقل از تروریسم شناسی، عبدا خانی). یکی از معانی دلالت بر خوف دارد و دیگری بر ناپیدا و پنهان شدن و سبک شدن. (دقه و خفه)

الصرهید الحربی با بررسی تعاریف مختلف از ارهاب به بررسی دسته بندی آن پرداخته و نتیجه گیری خود را ارائه بیان فرموده است. وی در این خصوص تعاریف را در دو دسته کلی قرار داده. دسته اول ارهاب را به خشونت و تجاوز معنا کرده اند و دسته دوم ارهاب را به ایجاد ترس و وحشت معنا نموده اند. بر این اساس ملاحظات ذیل قابل توجه است:

1. تعاریفی را که دسته دوم از ارهاب ارائه داده اند، بر تعریف لغوی لفظ ارهاب استوار بوده و تعاریف دسته اول را نادیده می‌گیرد. طبق تعاریف دسته دوم مراعات معنی لغوی در تعریف اصطلاحات بر عدم مراعات آن ترجیح دارد.

2. برخی از تعاریف هدف از ارهاب و اعمال ارهابی را شامل کلیه اعمالی می‌دانند که خشونت و ایجاد رعب و وحشت را توأماً شامل می‌گردد.

3. برخی نیز پیرامون ارهاب گفته اند، که عموماً از سوی گروه ها و دسته جات سازماندهی شده صورت می‌گیرد.

از خلال آنچه گفته شد مشخص می‌گردد که ارهاب بر سه پایه استوار است:

۱. اعمال معین و مشخصی که برخی آن را خشونت و برخی دیگر آن را رعب و ترس نام گذارده اند.

۲. ارهاب به دنبال هدف و مقصد مشخصی می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به سرنگون کردن حاکمیت موجود و رسیدن به حاکمیت یا تحت سلطه در آوردن جامعه اشاره کرد.

۳. جمعیت و گروه سازماندهی شده ای هستند که تمامی تلاش خود را برای رسیدن به اهداف تعیین شده بکار می‌گیرند.

از نظر الصرهید الحربی تعریفی که عناصر سه گانه فوق را داشته باشد دقیق ترین تعریف از ارهاب است. بر این اساس وی تعریفی به شرح زیر از ارهاب ارائه می‌دهد: « ترس و وحشتی را که گروهی سازماندهی شده در سطحی وسیع یا محدود با بکارگیری خشونت یا تهدید در جهت رسیدن به اهداف غیرمشروع در جامعه ایجاد می‌کند» (مطیع الدین بن دخیل ا الصرهید الحربی، حقیقه الارهاب: المفاهیم و الجذور، ص ، نقل از تروریسم شناسی، عبدا خانی11).

تروریسم از دیدگاه شیعه

در ادبیات فقه شیعی واژه ای به نام تروریسم وجود ندارد. این اصطلاح وارداتی است. با این وجود در منابع مکتب تشیع و آراء فقها برخی مفاهیمی هستند که با مفهوم تروریسم شباهت دارند و یا چنین برداشتی از آن ها شده است. این واژه ها «ارهاب»، «محاربه»، «فتک و اغتیال» و «بغی» هستند که به طور خلاصه هریک بررسی می‌شود.

محاربه

برخی فقهای اسلامی معتقدند واژه «محاربه» که مصداق مفسد فی الارض است از واژگانی است که با واژه تروریسم شباهت زیادی دارد. محارب و محاربه از ماده «حرب» به معنای جنگ مشتق گردیده است. لذا؛ محاربه یعنی؛ جنگ طلبی می‌باشد.

صاحب «جواهر» محارب را کسی می‌داند که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون بکشد و یا آن را حمل نماید (نجفی، 1363: ج ۴، ۵۶۴). امام خمینی (ره) نیز معتقد است محارب کسی است که سلاح خود را بیرون بکشد و یا برای ترساندن مردم و ایجاد فساد روی زمین مجهز نماید (خمینی، 1362: ج 2، 492).

طبق این تعاریف در ترساندن مردم، مراد از مردم (ناس) مطلق مردم - مسلمان و غیرمسلمان – می‌باشد. بنابراین اگر فعل مورد نظر منجر به ترساندن یک غیرمسلمان نیز بشود، فرد یا افراد مذکور محارب محسوب می‌شوند. البته برخی از فقها جغرافیای اطلاق این واژه را دارالاسلام می‌دانند. یعنی؛ اگر کسی با اسلحه یک مسلمان و یا کافر را در دارالاسلام بترساند، «محارب» محسوب می‌شود (شکوری،1377: 199).

در صدور جواز محاربه به یک اقدام و فعل فرد یا افراد، فرقی بین سلاح گرم و سرد وجود ندارد. بنابراین، در صورتی که ایجاد وحشت و رعب در میان مردم و افساد روی زمین ملتزم آن باشد، آن اقدام محاربه محسوب می‌شود. واژه محاربه یکی از مهم ترین شاخصه های مفهوم تروریسم یعنی؛ وحشت انگیزی در جامعه و مردم را در خود دارد. اما معیارهای دیگر مانند انگیزه سیاسی داشتن و اینکه الزاماً در اقدام تروریستی هدف عملیاتی هدف اصلی نمی‌باشند را در خود ندارد. بر این اساس به کسانی که با شرارت و سرقت از طریق راهزنی نیز اقدام به ایجاد وحشت نماید محارب اطلاق گردیده است.

بنابراین، در محاربه انگیزه عموماً انگیزه های عمومی و یا حداقل غیرسیاسی است. لذا؛ نمی‌توان واژه محاربه را یک واژه نزدیک به تروریسم دانست.

البته در اینجا کاملاً مشخص است، دهشت انگیزی از نظر اسلام و آراء فقهای اسلامی چقدر اهمیّت دارد، زیرا نفس دهشت انگیزی است که عامل یک اقدام را در چارچوب مفسد فی الارض و محارب قرار می‌دهد و بر این اساس شدیدترین مجازات ها مانند: قتل، زدن دست و پا و تبعید برای آن در نظر گرفته شده است.

شاخصه های مفهوم محاربه با مفهوم تروریسم در بعضی موارد کاملا مشابه است. دهشت انگیزی و خشونت محور بودن دو شاخصه کاملاً مشترک در معناسازی تروریسم بر اساس رویکردها و گفتمان های بین المللی از تروریسم می‌باشد. با این وجود یکی از شاخصه های تروریسم «انگیزه سیاسی داشتن» است. در حالی که در اینجا بر داشتن انگیزه سیاسی تأکید نگردیده است. هر چند با طرح انگیزه های عمومی به این شاخصه تروریسم نزدیک شده، اما همین امر موجب شده تا در قانون مجازات اسلامی قطاع الطریق نیز در مجموعه محاربه قرار گیرد. البته چنانچه قطاع الطریق ماهیتاً شاخصه عمومی بودن را داشته باشد به اقدام تروریستی نزدیک می‌شود. برای مثال؛ عملیات های مسلحانه عبدالمالک ریگی و گروه وی بخش عمده ای از آن قطاع الطریق بوده است؛ اما جنبه شخصی نداشته است. بنابراین، به علت داشتن دیگر شاخصه ها در زمره محاربه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر تقریباً همه شاخصه های یک اقدام تروریستی به مفهوم رایج آن را نیز در خود دارد. نتیجه آنکه، بخشی از مصادیق قطاع الطریق در مجموعه مصادیق اقدام تروریستی قرار دارد. اما برخی مصادیق با وجود آنکه شاخصه های محاربه را دارد اما به علت شاخصه «عمومی بودن» - که الزاماً سیاسی بودن نیست، هر چند الزاماً شخصی محور نیز نمی‌باشد - در چارچوب مصادیق اقدام تروریستی قرار نمی‌گیرد.

بغی

این واژه در لغت به معنای «از حد خارج شدن و تعدی نمودن» است و اسم فاعل آن «باغی» است (شکوری، 1377: 20). بغی از کلمات و اصطلاحاتی است که پیامبربزرگوار اسلام (ص) برای نخستین بار آن را درباره قاتلان «عمار» به کار بردند؛ «تقتلک فئه الباغیه» یعنی؛ تو را گروهی متجاوز می‌کشند. در همین خصوص علامه حلی فرموده اند: «باغی و اهل بغی هر کسی است که بر امام و پیشوای عادل خروج کند و مسلحانه بشورد...» (همان).

اهل بغی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: اول «بغی ذی فئه» که باغیان دارای سازمان و تشکیلات هستند. این دسته از باغیان به جز افرادی که در صحنه درگیری با حکومت اسلامی حضور دارند، افراد و تشکیلات پشتیبان دیگری نیز دارند که در صورت لزوم از آنها استفاده می‌کنند. از نظر اسلام باید با این دسته از باغیان به شدت برخورد کرد و با حاضران در صحنه درگیری جنگید، تا کشته شوند. مجروحان آنان را باید اسیر و سپس محاکمه نمود و فراریان را نیز تعقیب کرد.

دسته دوم «باغیان غیر ذی فئه» هستند. این ها کسانی هستند که تشکیلات ندارند و صرفاً شامل همان کسانی هستند که در صحنه درگیری با حکومت اسلامی حضور دارند. اسلام برای برخورد با این دسته از باغیان شدت عمل کمتری به خرج می‌دهد و دستور به اعدام نکردن مجروحان و عدم تعقیب فراریان داده است.

تقسیم باغیان به دو دسته مذکور نشان از اهمیّت تشکیلات و فعالیت های تشکیلاتی معارض با حکومت اسلامی با قصد براندازی دارد.

میان باغی و محارب تفاوت است. این تفاوت ها را در چند محور می‌توان بیان کرد. هدف محارب از حمل سلاح یا کشیدن اسلحه ایجاد رعب و وحشت در مردم مسلمان یا کافر است در حالی که هدف باغیان قیام مسلحانه علیه امام عادل و یا حکومت اسلامی است. از سوی دیگر محاربه می‌تواند جمعی یا فردی باشد، اما بغی حتماً جمعی است. دیگر آنکه محارب می‌تواند کافر یا مسلمان باشد. اما اهل بغی کسانی هستند که به ظاهر اسلام آورده اند و شهادتین را ادا نموده اند. توبه محارب بعد از اسارت قبول نیست، اما توبه باغی در صورتی که ذی فئه نباشد بعد از اسارت قبول است. در نهایت به نظر می‌رسد هدف مرجع در محاربه، امنیت مردم و هدف مرجع در بغی امنیت حکومت است.

اغتیال و فتک

اغتیال یعنی پنهانی از پای درآوردن و به شکلی که مقتول باخبر نشود. در المنجد، «الغیله» به معنی فریب دادن و به ناگاه کشتن و «قتله غیله» به معنی به او نیرنگ زد و به ناگاه او را کشت آمده است. (المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی، ذیل کلمه غیله) در فرهنگ بزرگ، اغتیال به آدمکشی و غیله به حیله، مکر و فریب ترجمه شده است (سیاح، 1382: ذیل کلمه اغتیال). در مجموع هلاک کردن، به ناگاه کشتن، با خدعه کشتن، در پنهان کشتن از معانی اغتیال است و در تعریف می‌توان گفت: غیله یعنی؛ از طریق فریب دادن، شخصی را به موضوع خاص بردن او را کشتن است.

فتک در فرهنگ اصطلاحات معاصر به معنای «ترور کرد، کشت، از میان برد و به قتل رساند»، آمده است. (میرزایی، 1376: ذیل کلمه فتک.) در زبان عربی «الفتک» یعنی هر شخصی که فردی را بی خبر از روی غفلت بکشد و به معنای شخصی است که از غفلت فرد دیگری استفاده کند و او را بکشد یا مجروح کند.

برخی قائل به تفاوت میان دو واژه اغتیال و فتک می‌باشند. صاحب کتاب «غریب الحدیث» در تفاوت این دو واژه آورده است: غیله یعنی؛ شخص خدعه ای به کار ببرد تا فرد دیگری را به یک مکان خاصی بکشاند، مکانی که برای آن فرد از قبل آشکار نبوده است و هنگامی که به آنجا رسید آن فرد را به قتل رساند.

اما فتک یعنی شخصی نزد شخص دیگری بیاید در حالی که مقتول از قصد و نیت قاتل باخبر نباشد و در این حال او را به قتل رساند. (دعموش عاملی، 1382: ج اول، ۲۵۰ - ۲۱۹).

تفاوت میان دو واژه اغتیال و فتک صرفاً به روش اقدام مرتبط است و در نوع اقدام تفاوتی وجود ندارد. بنابراین هر دو واژه دارای کارکردی مشابه هستند. البته در زبان امروز عرب از واژه اغتیال برای توضیح ترورهای سیاسی استفاده بیشتری می‌شود. برای مثال؛ تمامی اخباری که به دنبال توضیح ترور رفیق حریری در لبنان آمده، از واژه اغتیال استفاده شده است. در حالی که این واژه در معنای لغوی خود که به معنای به مکان غیرمشخص بردن و کشتن فرد است، با آنچه در خصوص ترور حریری اتفاق افتاد همخوانی ندارد. لذا؛ می‌توان نتیجه گرفت واژه اغتیال یک واژه خاص برای کلیه قتل های سیاسی است.

در آراء «اشمید» و برخی دیگر از گفتمان های مرتبط با تروریسم، ترور در چارچوب اغتیال یا فتک در حوزه تروریسم قرار نمی‌گیرد، بلکه از آن به عنوان ترور عمومی یا ترور غیر تروریستی یاد شده است. در حالی که در کنوانسیون های سیزده گانه سازمان ملل در خصوص مصادیق تروریسم، ترور سیاسی که در چارچوب اغتیال یا فتک نیز قابل تفسیر است، در چارچوب اقدام تروریستی گنجانده شده است.

اغتیال یا فتک دارای دو معیار اصلی است؛ اول «خشونت محور بودن» و دوم «یکسان بودن هدف و آماج» یعنی؛ آنکه آماج اقدام تروریستی خود هدف می‌باشد. به بیان دیگر ترور یک فرد به علت های مربوط به خود آن فرد صورت گرفته است و یا بخش قابل توجهی از آن مربوط به خود آن فرد است. علاوه بر این در تفسیر اغتیال و فتک الزاماً نمی‌توان معیار «انگیزه سیاسی» را وارد کرد. بنابراین اقدام می‌تواند با دیگر انگیزه ها انجام شده باشد. با توجه به چنین توضیحاتی بسیار مشکل است که بتوان فتک و اغتیال را در زمره تروریسم قرار دارد. هر چند در مقایسه تروریسم با واژه و مفاهیم بومی و اسلامی عموماً آن را با اغتیال یا فتک منطبق نموده اند.

در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۵۱۵، سوء قصد به جان رهبر و رؤسای قوای سه گانه را که در چارچوب محاربه نباشد، در ذیل بخشی مربوط به سوءقصد به مقامات داخلی قرار داده است، و ماده ۵۱۶، سوء قصد به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران را مطابق با ماده ۵۱۵ دانسته است؛ هر چند قید معامله متقابل را آورده است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت قانون مجازات اسلامی سوءقصدهای سیاسی را در چارچوب مسائل امنیتی قرار داده است. هرچند با تفاوت قائل شدن میان برخی سوءقصدها و جرم محاربه، آنها را از یکدیگر جدا نموده و بنابراین قائل به ترورهای سیاسی غیرمحاربه نیز شده است. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت قانون مجازات اسلامی نیز همه انواع ترورهای سیاسی را الزاماً در چارچوب تروریسم قرار نمی‌دهد.

تطبیق جهاد و ترورسیم راهکاری برای خنثی کردن تهمت تروریستی به جنبش های مقاومت

از آنجا که استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا با تهمت های ناروا به جنبش های مقاومت فلسطین، این گروه ها را تروریستی معرفی می‌کند، بررسی رابطه میان جهاد و تروریسم می‌تواند یکی از مهم ترین راهکار ها برای روشن شدن افکار عمومی و خنثی کردن این تهمت های ناروا به جنبش های مقاومت قرار گیرد.

جنبش های مقاومت برای نابودی رژیم اسرائیل و آزادی فلسطین اعمال جهادی انجام می‌دهند. در بیشتر متون فقه و تفسیر، جهاد به «مقاتله العدو» یعنی اقدام به عملیات مسلحانه علیه دشمن تعریف شده، که در فارسی به جنگ تعبیر گردیده است. در قرآن کریم دو عنوان جهاد و قتال بسیار به کار رفته، در حالی که از مجموع آیات شریفه می‌توان فهمید جهاد نوعی از قتال است که دارای شرایط و خصوصیات محدودکننده است. از سوی دیگر خود جهاد یک مفهوم عام است که بر جهاد با نفس و جهاد با دشمن تقسیم

شده است. فقهای شیعه جهاد را به جنگ با دشمن تعریف کرده اند و آن را شامل نبرد مسلحانه داخلی با دشمنان و پیکار خارجی با مشرکان می‌دانند. (عمید زنجانی، 1377: ج5، 205).

آن نوع از جهاد که به قتال با دشمن مربوط است دارای ویژگی تعیین کننده، یعنی؛ انجام فعل به صورت خشونت محور و اقدام مسلحانه می‌باشد. بنابراین؛ از این جهت با شرط لازم تروریسم یکسان است. اما بدیهی است که خشونت محور بودن اقدام علیه دشمن فقط در زمره اقدامات تروریستی نمی‌گنجد، زیرا بسیاری از اقدامات خشونت آمیز که در حقوق بین الملل نیز بر آن تصریح شده در مجموعه اقدامات خشونت آمیز مجاز و حتی مشروع قرار گرفته است. برای مثال؛ خشونت علیه متجاوزین به امنیّت و آسایش مردم توسط یک دولت، خشونت و اقدام مسلحانه علیه تجاوز مسلحانه یک دولت دیگر و حتی جنگ غیرمشروع اما مبتنی بر اصول و ضوابط جنگ - منطبق بر حقوق بین المللی جنگ - نیز در زمره اقدامات خشونت آمیز تروریستی قرار نگرفته است. بنابراین خشونت آمیز بودن جهاد صرفاً نشانه ای است که ضرورت بررسی در خصوص تعیین تکلیف رابطه جهاد با اقدام تروریستی را توجیه می‌نماید و نه بیشتر.

در یک تقسیم بندی کلی فقهای شیعه جهاد را به دو دسته جهاد ابتدایی (تهاجمی) و جهاد دفاعی تقسیم کرده اند. (عمید زنجانی، 1377: ج5، 205).

در این چارچوب جهاد ابتدایی یا رهایی بخشی در محورهای زیر مجاز شمرده شده است:

1. آزاد کردن ملت ها و توده های مردمی که آزادی آنها سلب شده است؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (قرآن: سوره بقره، آیه ۱۹۳) با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ ای نباشد و دین مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

جنبش مقاومت با تکیه به این آیه قرآن حرکات جهادی انجام می دهند، تا رژیم اسرائیل محو و فلسطین آزاد گردد.

2. رهایی ملت ها و گروه های تحت ستم که توانایی بازستاندن حق خود را ندارند؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعاً يَسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْناءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِساءَهُمْ إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ، وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الارْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئمَّه وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ»

(قرآن: سوره قصص آیه ۴ و ۵) همانا فرعون در سرزمین (مصر) سرکشی کرده و مردم آنجا را فرقه فرقه نموده است، گروهی از آنان را به زبونی و ناتوانی کشانده، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگه می‌دارد. به راستی که او از تبهکاران است و خواستیم بر کساني که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

آنگونه که می‌دانیم، امروز مردم فلسین تحت ستم اشغالگران صهیونیست قرار گرفته اند، جنبش مقاومت وظیفه خود می‌داند، برای نجات مردم ستمدیده، با حرکات جهادی برای رهایی این مردم تمام سعی خور را انجام دهد.

3. کمک و همراهی با نهضت های آزادی بخش و مستضعفانی که در سراسر جهان برای نجات خود از بند استکبار و ستم می‌جنگند؛ Pوَما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَالْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ وَالْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیر0(قرآن: سوره نسا 75) و شما را چه شده که در راه خدا و مستضعفاناز مردان و زنان و کودکان نمی‌جنگید، آنان که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر، که اهلش ستمگرند ، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود ، یار و یاوری برای ما تعیین فرما!

این نوع جهاد وابسته به فعل خشونت محور طرف مقابل و اقدام مقابله به مثل نیست، بلکه جهادگران به صورت ابتدایی و بدون ضرورت منبع تجاوز جنگی وارد جهاد می‌شوند. در این چارچوب هرچند این نوع جهاد به صراحت از سوی فقهای شیعه صرفاً در زمان حضور امام معصوم A مجاز دانسته شده (عمید زنجانی، 1377: 325) و بر همین اساس چنین جهادی در زمان فعلی کاملاً منتفی است، با این وجود حتی وجود آن الزاماً ما را به سوی تروریسم رهنمون نمی‌سازد. زیرا بدبینانه ترین حالت آن است که این نوع جهاد، یک جنگ نامشروع تلقی گردد. در چنین حالتی نیز نمی‌توان الزاماً جنگ نامشروع را چنانچه مبتنی بر اصول جنگ باشد یک اقدام تروریستی تلقی نمود.

بنابراین؛ صرف نوع جهاد نیز نمی‌تواند دلیل بر ماهیت آن باشد. لذا؛ نمی‌توان آن را تروریستی قلمداد کرد.

جهاد دفاعی که وجود آن از سوی فقها به صراحت پذیرفته شده و به علّت اهمیّت آن با وجود ماهیت سیاسی در زمره عبادات قرار گرفته و آیات و روایات زیادی در خصوص آن آمده است، صرفاً از جهت روش و نوع برای مقایسه آن با تروریسم قابلیت بررسی دارد.

در تروریسم «وحشت انگیزی» از طریق عملیات مسلحانه و «خشونت محور بودن» و همچنین «یکی نبودن آماج و هدف و عموماً غیرمرتبط بودن آماج ها با اهداف تروریست ها از معیارهای اساسی است. در حالی که در جهاد مقررات بسیار زیادی وضع شده است که بسیاری از آنها به صراحت بر تفاوت میان اقدام تروریستی و اقدام مسلحانه مبتنی بر جهاد صحه می‌گذارد. در این خصوص برخی از مقررات ممنوعه در عملیات مسلحانه جنگی عبارتند از:

1. کشتن دشمن با شکنجه، کشتن پیران، کودکان، گوشه گیران و عبادت کنندگان، کشتن زنان حتی اگر در میدان جنگ باشند، کشتن همراه با هتک حرمت آن ها باشد.

2. از بین بردن ساختمان ها، ابنیه، آبادانی ها و شهرها

3. کشتن افراد غیرنظامی یا افرادی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ مشارکت ندارند.

4. کشتن فراریان از مهلکه و یا مجروحان.

5. از بین بردن حیوانات، درختان و باغ ها.

6. استفاده از مواد و سلاح های سمی.

7. کشتن افرادی که خواهان تسلیم هستند و یا امکان اسارت آنان وجود دارد. (عمید زنجانی، 1377: ج 5، 56).

تروریسم و اقدامات تروریستی الزاماً مبتنی بر دفاع از خود نیست. به بیان دیگر به صورت ضروری واکنشی به منظور بازدارندگی نیست. از سوی دیگر اقدام تروریستی ماهیتاً جنبه غافلگیری دارد. این در حالی است که جهاد دفاعی در درجه اول جنبه تدافعی دارد. یعنی صرفاً واکنشی است در برابر اقدامات خشونت آمیز و مسلحانه یک طرف دیگر، بنابراین؛ تا زمانی که چنین فعلی حادث نشده باشد جهاد

دفاعی سالبه به انتفاع موضوع است.

در جهاد دفاعی دعوت قبل از انجام اقدام مسلحانه یک اصل است، یعنی؛ قبل از هرگونه اقدامی لازم است راه حل های توافق بررسی و اعمال گردد، لذا؛ در جهاد اعلام یک اصل اساسی است. بنابراین، فاقد عنصر غافلگیری است.

اقدام تروریستی به جهت وادار کردن طرف مقابل برای تن دادن به خواسته های تروریست ها و یا بازداشتن آنان از انجام مجموعه ای از اقدامات می‌باشد، در حالی که جهاد دفاعی صرفاً به منظور بازداشتن طرف مقابل از انجام اقدام خشونت آمیز است و تا زمانی که چنین اقدامی حادث نشده باشد. جهادگران دست به سلاح نخواهند برد. بر این اساس جهاد به پنج نوع کلی تقسیم می‌شود. (عمید زنجانی، 1377: ج6، صص ۳۵۶ - ۳۵۵) که چهار نوع ان در زمره جهاد دفاعی قرار دارد و همگی آنها تأیید کننده دفاعی بودن و بازدارنده بودن جهاد می‌باشد.

1. جهاد برای حفظ موجودیت اسلام در حالی که دشمنان به سرزمین های اسلامی حمله کرده و آماده سرکوب مسلمانان، استیلای به اسلام و تحکیم سلطه بر مسلمانان باشند و همچنین به دنبال جایگزینی آثار و شعائر خود بر سرزمین های اسلامی برآمده باشند.

2. جهاد برای حفظ دماء و اعراض و اموال مسلمین در برابر دشمن مفسد است.

3. جهاد برای کمک به گروه مسلمانانی که درگیر شده و احتمال شکست آنان می‌رود و احتمال حاکم شدن کفار بر سرزمین و اعراض آنان وجود دارد.

4. جهاد برای بازگرداندن حاکمیت اسلام به سرزمین های اسلامی که به تصرف دشمن درآمده و به دست کفار افتاده است و اسلام و موجودیت آن بر اثر استیلای کفار از بین رفته است.

جهاد بر خلاف جنگ پدیده ای بین دولتی نمی‌باشد و یا الزاماً مربوط به عملیات مسلحانه میان دو دولت نیست. بر این اساس میان نهاد اسلامی‌جهاد و تعریف حقوقی جنگ به معنی رابطه خاص دولت به دولت انطباق کامل وجود ندارد. (عمید زنجانی، 1377: ج5، 206).

جهاد عملیات مسلحانه‌ای است که ممکن است میان دولت جهادگر با دولت دشمن باشد که با تعریف حقوقی

جنگ همخوانی دارد. ممکن است میان یک دولت با افراد یا گروه ها باشد. ممکن است میان فرد یا گروهی سازماندهی شده یا بدون سازماندهی با افراد یا گروه های دیگر باشد. بنابراین، جنگ چریکی، جنگ آزادیبخش و مواردی از این دست نیز می‌تواند در زمره جنگ های جهادی قرار گیرد.

در خصوص جهاد مسلمانان و یا گروهی از آنان علیه دولت ستمگر، حضرت امام خمینی(ره) دیدگاهی متفاوت دارند. ایشان استراتژی جنگ مسلحانه با دولت به ظاهر مسلمان حاکم بر سرزمین های اسلامی را مورد استفاده قرار ندارد و همواره بر جنگ نرم علیه دولت ستمگر حاکم بر سرزمین های مسلمانان تأکید داشتند. به همین جهت در انقلاب اسلامی و دوران قبل از آن ایشان انجام اقدامات مسلحانه و یا استفاده از استراتژی های جنگ چریکی یا جنگ آزادیبخش علیه دولت استبدادی را مورد توجه و تکریم قرار ندادند و در دوران انقلاب اسلامی به رهبری خودشان نیز چنین استراتژی را هیچ گاه در متن مبارزاتی خود وارد نکردند.

در خصوص سلسله مراتب و فرماندهی در جهاد میان فقهای شیعه اجماع نظر قاطع وجود ندارد. برخی معتقد هستند جهاد نیاز به اذن امام معصوم A در زمان حضور ایشان و یا اجازه فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت دارد و برخی معتقد هستند چنین اجازه ای برای جهاد دفاعی لازم نیست و جهاد با وجود فرد با کفایتی که توسط خود رزمندگان انتخاب می‌گردد، واجب می‌شود. (نجفی، 1363: ج 2 ، 3).

از سوی دیگر همانطور که قبلاً نیز توضیح داده شد، جهاد ابتدایی بر اساس رأی اکثر فقهای شیعه همچنین حضرت امام خمینی(ره) صرفاً با حکم امام معصوم A جایز است. بنابراین فرماندهی مستقیم و یا منصوب از سوی ایشان را به طور ضروری نیاز دارد.

در یک جمع بندی پیرامون مرز میان جهاد و تروریسم می‌توان گفت، جهاد در روش، در انواع و در ماهیت هیچ گونه سنخیتی با تروریسم و اقدامات تروریستی ندارد.

خصوصیات اصلی جهاد را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

1. اقدام مسلحانه خشونت محور.

2. اقدام مسلحانه دفاعی و بازدارنده در برابر اقدامات مسلحانه دشمن.

3. آماج و قلمرو آن مربوط به کسانی است که به طور مستقیم خود را در جنگ با مسلمان قرار داده و یا در جنگ با مسلمانان دارای نفوذ و تأثیر می‌باشند. بنابراین آماج و هدف دقیقاً یکی است.

4. با مبنا قرار دادن دعوت، اصل بر جلوگیری از خشونت و جنگ تا سرحد امکان می‌باشد.

5. بر روش ها و سلاح‌های متعارف متکی است.

جهادگران در دو صورت می‌توانند قواعد و روش های متعارف جهاد را به طور موقت کنار بگذارند. در درجه اول در صورت ضرورت یافتن اقدام تلافی جویانه در اسلام که تحت عنوان «انباذ» (قرآن: سوره انفال، آیه ۵۸) آمده است. در این چارچوب جهاد با کسانی که خود را تابع مقررات و تعهدات ندانسته و به جای الزام و احترام به تعهدات و قراردادهای دوجانبه و یا بین المللی از آن عدول می‌نمایند.

این نوع جهاد با اقدامات تلافی جویانه که در حقوق بین الملل نیز آمده شباهت دارد. در این چارچوب اقدامات تلافی جویانه عبارتست از: «اعمال فشاری که خارج از قواعد معمول حقوق بین المللی توسط یک دولت علیه دولت دیگر اعمال می‌گردد. چنین اعمال فشاری به دنبال اقدامات غیرمشروع دولت مقابل در نقض تعهدات بین المللی صورت می‌پذیرد و هدف آن وادار کردن دولت خاطی به پذیرش تعهدات و قراردادهای متقابل است».

در اینجا روش ها و ماهیت جهاد با موارد قبلی تفاوتی ندارد، اما جهاد صرفاً در برابر اقدام خشونت آمیز طرف مقابل انجام نمی‌شود. بلکه ممکن است به منظور وادار کردن طرف مقابل به پذیرش تعهدات، اعمال خشونت روا داشته شود. البته به صورت موقتی تا اینکه طرف مقابل به تعهدات خود پایبند گردد. (عمید زنجانی، 1377: ج5 ، 217).

نوع دیگر، «اقدام مقابله به مثل» است. مشروعیت مقابله به مثل در عملیات رزمی و مسلحانه جهاد، بنا بر نص صریح قرآن؛ Pالشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ0 (قرآن: سوره بقره، آیه ۱۹۴) ماه حرام، در برابر ماه حرام! و تمام حرام ها، (قابل) قصاص است. و هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزگاران است! مورد اتفاق همه فقها است. این نوع اقدامات از لحاظ حقوق بین الملل نیز پذیرفتنی است.

در اسلام بر اقدام تلافی جویانه و مقابله به مثل به طور کامل و دقیق به حد و میزان اقداماتی که انجام گرفته، تأکید شده است. بنابراین اقدامات تلافی جویانه ضمن آنکه از جهت حدود و شرایط نباید بیشتر از حد اقدامات طرف مقابل باشد، بلکه باید به محض توقف چنین اقداماتی از سوی دشمن، اقدامات مقابله به مثل جهادگران نیز متوقف شود.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت جهادگران به منظور بازداشتن دشمن از انجام اعمال غیرمتعارف به صورت موقت و اضطراری می‌توانند همان اعمالی را انجام دهند که دشمن انجام می‌دهد. چنین اقداماتی در کل تمامی معیارهای اساسی جهاد را در روش، ماهیت و نوع تحت الشعاع قرار داده و خدشه دار می‌نماید. بنابراین اصل شدن آن باعث تغییر ماهیت جنگ جهادی به جنگ های غیر جهادی خواهد گردید.

همانطور که در بخش محاربه توضیح داده شد، قلمرو مبارزه با محاربه از نظر برخی فقها دارالاسلام و از نظر برخی دیگر بدون محوریت جغرافیایی است، در حالی که آماج محاربه، مطلق مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان در نظر گرفته شده است. در این چارچوب جنگ با محاربان و بغاه در چارچوب جنگ با مفسدین فی الارض آمده است که خود یکی از انواع جهاد به شمار می‌رود؛ Pوَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ0 (قرآن: سوره حجرات، آیه ۹) و هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردند. و هر گاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.

قانون مجازات اسلامی ماده ۱۸۴ نیز هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین به اسلحه دست می‌برد، را محارب نمی‌داند. بنابراین؛ می‌توان به این نتیجه نزدیک شد که از نظر اسلام مبارزه با وحشت انگیزی و اقدامات خشونت آمیز علیه امّت و دولت اسلامی خود یک فریضه و عبادت محسوب شده و در زمره جهاد در راه خدا می‌تواند قرار گیرد.

آیت ا خامنه ای نیز در همین خصوص تأکید دارند که مبارزه با تروریسم و ناامنی فضای زندگی انسان ها یک مبارزه واجب و لازم و یک جهاد است و معتقد هستند هر کسی بتواند در این مبارزه شرکت کند باید این کار را بکند (سخنرانی آیت ا خامنه‌ای 4/7/1380).

یافته‌های تحقیق

از آنجا که هدف اصلی جنبش های مقاومت فلسطین رهایی ملت و مردم تحت ستمی است که توانایی بازستاندن حق خود را ندارند، اعمال این گروه ها نوعی جهاد است؛ زیرا در یک جمع بندی کلی درباره مرز میان جهاد و تروریسم می‌توان گفت: جهاد در روش، در انواع و در ماهیت هیچ گونه سنخیتی با تروریسم و اقدامات تروریستی ندارد.

در تروریسم «وحشت انگیزی» از طریق عملیات مسلحانه و «خشونت محور بودن» و همچنین «یکی نبودن آماج و هدف و عموماً غیرمرتبط بودن آماج با اهداف تروریست‌ها از معیارهای اساسی است. در حالی که برای جهاد مقررات بسیار زیادی وضع شده است که بسیاری از آنها به صراحت بر تفاوت میان اقدام تروریستی و اقدام مسلحانه مبتنی بر جهاد صحه می‌گذارد.

تروریسم و اقدامات تروریستی الزاماً مبتنی بر دفاع از خود نیست. به بیان دیگر به صورت ضروری واکنشی به منظور بازدارندگی ندارد. از سوی دیگر اقدام تروریستی ماهیتاً جنبه غافلگیری دارد. این در حالی است که جهاد دفاعی در درجه اول جنبه تدافعی دارد. یعنی؛ صرفاً واکنشی است در برابر اقدامات خشونت آمیز و مسلحانه یک طرف دیگر، بنابراین تا زمانی که چنین فعلی حادث نشده باشد، جهاد دفاعی سالبه به انتفاع موضوع است.

بنابراین، عملیات جنبش های مقاومت فلسطین علیه اسرائیل، جهاد اسلامی‌است و در روش و ماهیت هیچ گونه سنخیتی با تروریسم و اقدامات تروریستی ندارد.

منابع

1. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره ترمذی (1387). سنن الترمذی. قم: انتشارات اسلامی.

2. جمعی از نویسندگان(بی تا). مجموعه مقالات جمع آوری شده از مجله الشراع با عنوان: الحرکات اسلامیه فی لبنان.

3. خانبانی، پریسا (1383). ضوابط حقوق بشری مبارزه با تروریسم بین المللی. تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

4.خسرو شاهی، سید هادی(1370). اسرائیل پایگاه امپریالیسم و حرکت‌های اسلامی در فلسطن. قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

5. خميني، روح ا (1362). تحرير الوسيله. تهران: نشر مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، 1362.

6.دعموش عاملی، علی (1382). دائره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی. ترجمه غلامحسین باقری و رضا گرمابدری، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین A .

7. راغب اصفهانی، حسین بن محمد(1407). مفردات. بیروت: نشر دار الفکر.

8. سلیمان بن اشعث بن اسحق سجستاني(1382). سنن ابي داود، تهران: انتشارات انصاریان.

9. سیاح، احمد (1382). فرهنگ بزرگ جامع نوین اسلام. تهران: انتشارات اسلام.

10. شکوری، ابوالفضل (1377). فقه سیاسی اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

11. عبد ا خانی، (1386). تروریسم شناسی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات.

11. عمید زنجانی، عباسعلی (1377). فقه سیاسی. اتهران: میرکبیر.

13. قرآن (1338). ترجمه الهی قمشه ای. تهران: سازمان چاپ و انتشارات علمی.

14. قرشی، علی اکبر (1384). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

15. لوئیس معلوف (1377). المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات صبا.

16. معین، محمد (1386). فرهنگ معین. تهران: نشر امیرکبیر.

17. میرزایی، نجفعلی (1376). فرهنگ اصطلاحات معاصر. قم: انتشارات دارالاغتصام.

18. نجفی، محمد حسن (1363). جواهرالکلام. تحقیق عباس القوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.